

پژوهش‌های قرآنی

در آلمان^۱

دکتر احمد محمود هویدی^۲

ترجمه: حسین علینقیان

مقدمه

دانشمندانی که به بررسی پدیده شرق شناسی اهتمام می‌ورزند، در تعیین تاریخ شروع آن اختلاف دارند؛ اما مفهوم شرق شناسی - که عبارت است از: بررسی و تحقیق در ادیان، زبان‌ها، آداب، عادات، تقلیدها و تمدن‌های ملل شرقی از قدیم‌ترین ایام تا زمان حاضر - مورد اتفاق است. از آنجا که اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی در بلاد شرق (شبه جزیره عربستان) ظهور و تا دورترین جاها امتداد یافته، پاره‌ای از شرق شناسان به بررسی دنیای اسلام از جنبه‌های مذهبی، زبانی، تمدنی، ادبی، تاریخی و تحقیق در علوم مختلف اسلامی پرداختند.

به دلیل آنکه قرآن کریم منبع اولیه دین مسلمانان به شمار می‌رود، عموم خاورشناسان به آن اهتمام زیاد و جدی نشان دادند. در این مقاله مهم‌ترین دستاوردهای شرق شناسان آلمان را در عرصه پژوهش‌های قرآنی، بیان و انگیزه‌های مختلف و آثار به جای مانده اینان را در این زمینه تقدیم می‌کنیم.

سهم شرق شناسان آلمان در پژوهش‌های قرآنی

منظور از پژوهش‌های قرآنی، پژوهش‌های مربوط به علوم قرآنی، مانند تفسیر، قرائات و اسباب نزول، بررسی متن و زبان قرآن کریم و ارتباط آن با ادیان آسمانی است.

شرق شناسان آلمان مانند دیگر شرق شناسان به تمامی عرصه‌های مذکور اهتمام زیادی نشان دادند و پاره‌ای از اینان به ترجمه متن قرآن کریم یا بخش‌هایی از آن اهتمام ورزیدند. شک نیست که شکست حملات صلیبی بر شرق اسلامی، به تغییر تفکر اروپایی در قبال بلاد شرق اسلامی انجامید و جنگ با سلاح نظامی، جای خود را به جنگ با سلاح فکری داد. از این روی بود که بطرس مبجل (۱۰۹۲-۱۱۵۷ م)، رئیس دیر کلونی، دستور ترجمه قرآن را به زبان لاتینی صادر کرد و این کار را به بطرس طلیطلی و هرمان دماشی یا همان هرمان دالماتا و روبروت اف کتونی سپرد و آنها ترجمه قرآن را به طور کامل در سال ۱۱۴۳ م به اتمام رساندند و اولین ترجمه لاتینی قرآن کریم را ارائه دادند.^۳ هدف بطرس مبجل از این کار محاربه فکری با اسلام و

نیز چنان که خود ادعا کرده، به منظور مجهز کردن مسیحیان به برهان‌های درست برای تثبیت ایمان آنها بوده است.^۴

او برای تحقق بخشیدن این اهداف، ترجمه‌ای تخمینی و بدون تحلیل و با برداشتی غیر صحیح از زبان عربی ارائه داد و در بسیاری از موارد ترجمه او مختصر و ناقص بود و بسیاری از آیات در ترجمه حذف شد؛ حتی یک آیه وجود ندارد که ترجمه حقیقی و درست آن ارائه شده باشد.^۵ یوهان فوک در مورد عدم دقت این ترجمه چنین گفته:

«ترجمه روبرتوس (= روبرت اف) دارای اشتباهات بزرگی در معنی و مبناست و ترجمه امینی نیست؛ زیرا او بسیاری از کلمات را ترجمه نکرده و به اصل سیاق، توجهی نشان نداده و

۱. این نوشتار ترجمه‌ای است از: «الدراسات القرآنیة فی آلمانیة: دوافعها و آثارها»، احمد محمود هویدی، مجله علم الفکر، العدد ۲، المجلد ۱، اکتوبر - دسامبر ۲۰۰۲ م.

۲. استاد تحقیقات یهودی، بخش زبان‌های شرقی دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره.

۳. ر. ک: عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ط ۱، دارالقلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۴، ص ۳۰۶.

۴. ر. ک: عمر لطفی عالم، المستشرقون و القرآن، ط ۱، مرکز دراسات العالم الاسلامی، مالطه ۱۹۹۱، ص ۸۱۸؛ ساخت و باسورث، تراث الاسلام، بخش اول، ترجمه به عربی: دکتر محمد زهیر سمهودی، تعلیق و تحقیق دکتر شاکر مصطفی، سلسلة عالم المعرفة، شماره ۸، المجلس الوطنی للثقافة والفنون الآداب، الكويت ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ص ۳۹.

۵. دکتر محمد یاسین عربی، الاستشراق و تنزیب العقل التاريخی العربی، نقد العقل التاريخی، ط ۱، المجلس القومي للثقافة العربیة، رباط، ۱۹۹۱، ص ۱۴۵.

ویژگی های ساختاری ترجمه را لحاظ نکرده است».^۶

دلیل این اشتباهات عمدی چنین است:

۱. صعوبت ترجمه قرآن کریم؛ زیرا کلامش معجزه است و امکان ترجمه متن آن به شیوه ترجمه حرفی از سوی هر مترجمی با هر رتبه علمی در زبان و علوم عربی و علوم قرآن کریم، امکان پذیر نیست؛ بلکه می توان گفت ترجمه معانی قرآن کریم و نه ترجمه متن آن.^۷

۲. ترجمه صحیح معانی قرآن، به تصحیف و تحریف تورات و اعتقادات یهود به ویژه تحریم حلال الهی و پیمان شکنی آنها اشاره دارد.

اولین ترجمه، به زبان ایتالیایی در سال ۱۵۴۷ م بر اساس همین ترجمه پر اشتباه انجام گرفت. البته این ترجمه پس از چاپ اولین ترجمه لاتینی آن در پازل سویس در سال ۱۵۴۳ م به سامان رسید و بر اساس همین ترجمه ایتالیایی، اولین ترجمه آلمانی قرآن به وسیله سالمون شویگر (salamon sehewlger) در سال ۱۶۱۶ م انجام شد.^۸

از نیمه قرن ۱۷ م ترجمه های معانی قرآن کریم به زبان های مختلف اروپایی رو به افزایش گذاشت. در این مرحله به جای ترجمه از طریق زبان واسطه، ترجمه معانی قرآن کریم از متن عربی آغاز شد. اولین ترجمه فرانسوی از متن عربی در سال ۱۶۱۷ م به همت آندره دوری (DU RYER) به انجام رسید. پس از گذشت نزدیک به یک سده، ترجمه گئورگ سیل (George sale) در سال ۱۷۳۴ م ظهور یافت. این ترجمه که اولین ترجمه انگلیسی قرآن به شمار می رود، در نزد شرق شناسان جایگاه مناسبی را به دست آورد؛ زیرا ترجمه فوق، چنان که شرق شناسان گفته اند، دارای مقدمه ای همراه با ملاحظات محکم علمی و نیز مباحثی در مورد دین اسلام بود. اولین ترجمه آلمانی قرآن بر اساس متن عربی، به سال ۱۷۷۲ م به وسیله ام داوید فردیش مگرلین^۹ و سپس ترجمه بوسین در سال ۱۷۷۳ م با تحقیق و ویرایش جدید از سوی ساموئل فریدریک گوئرواهل و اولمان انتشار یافت.^{۱۰} پس از آن ترجمه های کلی و جزئی قرآن کریم به انجام رسید. تعداد ترجمه های قرآن به زبان آلمانی از سوی شرق شناسان بالغ بر ۱۴ ترجمه می شود^{۱۱} که مهم ترین آن ترجمه ماکس هنینگ است و این ترجمه به کوشش آنه ماری شیمل با افزودن مقدمه و ملاحظات دیگر تجدید چاپ شد. همچنین ترجمه رودی پارت در میان شرق شناسان آلمان اهمیت فراوانی یافت.

افزون بر این ترجمه ها، پاره ای از دانشمندان مسلمان به ترجمه آلمانی قرآن دست زدند؛ از جمله مؤسسه باواریا به چاپ

متن عربی و ترجمه آلمانی قرآن به همراه تفسیر آن اقدام کرد و حجم زیاد این ترجمه موجب کاهش بهره مندی از آن شد.

احمد فان دنفر (Ahmad von denfer) نیز ترجمه دیگری ارائه داد.^{۱۲} این ترجمه مشتمل بر مقدمه ای زیبا درباره اسلام و قرآن کریم است و به نظر من از برترین ترجمه های آلمانی (خاورشناسی و اسلامی) به شمار می آید. مجلس اعلا ی امور اسلامی در مصر نیز در سال ۱۹۹۹ م دست به انتشار ترجمه منتخب در تفاسیر زد. شک نیست که وجود ترجمه های اسلامی معانی قرآن کریم به زبان آلمانی یا سایر زبان های اروپایی، به سرعت و در حدی وسیع به تغییر چهره مشوهی که پاره ای از شرق شناسان از اسلام ارائه داده اند، خواهد انجامید.

شرق شناسان آلمان به ترجمه معانی قرآن کریم اکتفا نکردند و متن قرآن را با زبان اصلی به چاپ و نشر سپردند. صنعت چاپ در اروپا ظهور و تطور یافت و از این رو، چاپ های متعدد قرآن کریم نیز در آنجا انتشار یافت. اولین چاپ قرآن در بند قیه (۱۵۳۰ م) به انجام رسید که اربیسوس شرق شناس (۱۵۸۴ - ۱۶۲۴) در کتابش مبادی زبان عربی، به آن اشاره داشته است. از آن پس، چاپ افست سوره ها رایج شد؛ البته چاپ با حروف عربی نسبت به حروف لاتینی با تأخیر بیشتری رواج یافت.^{۱۳}

همان گونه که اولین ترجمه بی واسطه در دوران جدید در قرن ۱۷ میلادی به اتمام رسید، در همان قرن، قرآن کریم دوباره به چاپ رسید: چاپ اول در سال ۱۶۹۴ م با اشرف آبراهام هنکلیمان

۶. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق، الدراسات العربیة فی اروپا حتی بدایة القرن العشرین، تعریب عمر لطفی العالم، ط ۱، دمشق، دار قتیبه، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م، ص ۱۷.

۷. برای تفصیل بیشتر درباره مشکلات ترجمه معانی قرآن کریم به زبان های اروپایی به اذعان خود شرق شناسان ر. ک: ساسی سالم الحاج، الظاهرة الاستشراقیة و اثرها علی الدراسات الاسلامیة، ط ۱، مرکز دراسات العالم الاسلامی، مالطه، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۳۱۳.

۸. ر. ک: عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۳۰۸؛ محمد یاسین عربی، الاستشراق و...، ص ۱۴۵.

۹. ر. ک: شاخ و باسورث، تراث الاسلام، ص ۶۷؛ عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۲۱۰-۳۰۹؛ محمدحسین علی الصغیر، همان، ص ۳۳.

۱۰. ر. ک: ساسی سالم الحاج، الظاهرة الاستشراقیة و...، ص ۲۱۳.

۱۱. درباره تعداد ترجمه های آلمانی قرآن کریم، ر. ک: محمود حمدی زقزوق، الاستشراق و الخلفیة الفکریة للصراع الحضاری، ط ۲، کتاب الامه، العدد ۵، رجب ۱۴۰۵ هـ/ ۱۹۸۵ م، ص ۶۵.

۱۲. ترجمه اول در مؤسسه انتشاراتی باواریا در مونیخ به سال ۱۹۹۴ م، اما ترجمه دوم در مرکز اسلامی مونیخ و آکادمی دعوه در دانشگاه بین المللی اسلامی در اسلام آباد سال ۱۹۹۶ م به چاپ رسید.

۱۳. عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۳۰۲-۳۰۳.

(۱۶۵۲-۱۶۹۵) و چاپ دیگر، چهار سال بعد (۱۶۹۸م) با اشراف لودویکو ماراچی به انجام رسید. ۱۴ وی راهبی منسوب به انجمن راهبان الهه مادر بود. از آن پس، چاپ های قرآن کریم و ترجمه معانی آن در شرق و غرب پی در پی ارائه شد. مهم ترین آنها چاپ شرق شناس آلمانی و یهودی گوستاو فلوگل (۱۸۰۲-۱۸۷۰) بود که در سال ۱۸۳۴ در لایپزیک آلمان به انجام رسید. این چاپ تا ظهور چاپ در قاهره به سال ۱۹۲۴م مورد اعتماد و رجوع شرق شناسان بود. ۱۵

بر اساس آنچه بیان شد، ملاحظه می شود که بیشترین ترجمه های معانی قرآن کریم و چاپ های آن از طرف رجال دینی (لاهورت) بوده است؛ زیرا پژوهش های عربی و اسلامی در آلمان به ویژه از زمان پیدایش شرق شناسی تا اوایل این قرن از جانب رجال مذهبی و در آکادمی های دینی به انجام رسیده و این پژوهش ها تا نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی ادامه یافته است. ملاحظه می شود که میان اولین ترجمه لاتینی و ترجمه ایتالیایی - که بر اساس ترجمه لاتین صورت گرفت - فاصله زمانی زیادی است. علت این امر ترس از ایجاد تزلزل در عقاید مسیحی است. همین امر در آلمان منجر به تحریم ترجمه، انتشار و نیز سوزاندن نسخه های قرآن شد. ۱۶ هنکلمان می گوید: «... کار انتشار قرآن مانند دیگر تحقیقات عربی دارای اهمیت و فایده آن چنانی نیست و تناسب بسیار اندکی با کار مذهبیان دارد». ماراچی نیز می افزاید: «دفاع کاتولیکی در مقابل اسلام امری اساسی است». ۱۷

شایان ذکر است که ترجمه و انتشار متن اصلی قرآن کریم به زبان های اروپایی، وجود تحریفات و اشتباهات مترجمان، موجب شد تا چهره تاریکی که از اسلام در طول قرون وسطا و اوایل عصر نهضت ترسیم شده بود، از میان برود. نتیجه دیگر این کار ایجاد نگرش علمی و پژوهشی به قرآن و سیره نبوی (ص) و بهره گیری از منابع اسلامی و نه از روایات و اساطیر شایع در قرون وسطا بود. بروز این واقعه به ویژه پس از گسترش آموزش زبان عربی در میان شرق شناسان و اعتراف اینان بر اینکه علوم اسلامی مستقل اند و خارج از تحقیقات لاهوتی به شمار می آیند، بوده است. سرآغاز این رویکرد را می توان در آثار ریچارد سیمون، پیرابیل فیلسوف، هادریان ریلاند، یاکوب رایسکه و بسیاری دیگر مشاهده کرد. ۱۸

در قرن ۱۹م تحقیقات بسیاری درباره متن و تاریخ قرآن کریم ارائه شد که از بارزترین آنها، تحقیق شرق شناس یهودی گوستاو وایل (۱۸۸۹م) است. وی جمع آوری قرآن کریم و تسلسل تاریخی سوره ها و آیه ها را در کتابی تحت عنوان مقدمه تاریخی - نقدی

در قرآن کریم (۱۸۴۴ - ، ط ۲: ۱۸۶۶) بررسی کرده است. وی در این کتاب سوره های مکی را به سه دوره تقسیم کرده و سپس سوره هایی را که بیم دهنده اند، به دوره اول مکی و سوره های متأخر را که به سوره های مدنی نزدیک اند، به دوره سوم مکی (یعنی پس از فتح مکه) و مجموعه سوره هایی را که با هر دو مجموعه دارای ویژگی مشترک اند، به دوره دوم مکی نسبت داده است. ۱۹ تنودر نولدکه (۱۸۳۶ - ۱۹۳۱) در کتابش (اصل و ترکیب سوره های قرآن، ۱۸۵۶) از منظر وایل تأثیر پذیرفت. این کتاب نخست به زبان لاتین منتشر شد و اعاده چاپ آن در سال ۱۸۶۰ با عنوان تاریخ قرآن به انجام رسید. وی در این کتاب تاریخ ظهور و جمع آوری قرآن را بررسی کرده است. ۲۰ نظر به اهمیت کتاب یاد شده، شوالیه (م ۱۹۱۸) به تحقیق و تجدید چاپ آن همراه با پاره ای تعلیقات و هوامش همت گمارد و آن را در دو جلد (۱۹۰۹، ۱۹۱۹) منتشر کرد و سپس برگشتراسر (م ۱۹۳۳) و اتوبرتزل (م ۱۹۴۱) قسمت سوم کتاب نولدکه را در سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۳۵ منتشر ساختند. ۲۱

این رویکرد در تاریخ متن قرآن کریم از شیوه نقد تاریخی متون دینی که در دنیای غرب آن زمان رایج بوده است، تأثیر پذیرفته بود.

در آن زمان (قرن ۱۹م) از پرتو همان نقد تاریخی، این نظریه قوت یافت که تورات کنونی از منابع مختلف سرچشمه گرفته و

۱۴. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق ...، ص ۹۸؛ محمد یاسین عربی، الاستشراق و ...، ص ۱۴۵.

۱۵. ادو اشتاینباخ، «التطورات الحدیثه لعلم الشرق الادنی المرتبط بالعصر الحاضر فی ألمانيا»، در: الاستشراق الالمانی: تاریخه و واقعه و توجهاته المستقبلیه، دراسات مختاره جمعهها ونقلها من الالمانیه الی العربیه، احمد محمود هویدی، تقدیم الاستاذ محمود حمدی زقزوق، مراجعه الاستاذ الدكتور محمود فهمی حجازی، وزارة الاوقاف، المجلس الامی للشؤون الاسلامیه، القاهره، ۱۴۲۰هـ/ ۲۰۰۰م، ص ۱۶۲.

۱۶. محمد یاسین عربی، الاستشراق و ...، ص ۱۴۵.

۱۷. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق ...، ص ۹۸-۹۹.

۱۸. ر. ک. شناخت و باسورث، تراث الاسلام، ص ۶۵؛ محمود حمدی زقزوق، الاستشراق و الخلفیة الفکریه ...، ص ۳۲-۳۴.

19. Rudi Paret, *Mohammad and der Koran* 7. Auflage Verlag W. Kohlhammer Stuttgart, Berlin, Koeln, 1991, pp. 166-167.

میشال جحنا، الدراسات العربیه و الاسلامیه فی اروپا، ط ۱، معهد الانماء العربی، بیروت، ۱۹۸۲، ص ۱۹۵.

۲۰. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق ...، ص ۲۳۳.

21. Rudi parat: p. 167.

نجیب العقیقی، المستشرقون، ط ۴، دارالمعارف، القاهره، من دون تاریخ، ج ۲، ص ۳۸۰.

عربی و اسلامی قرار گرفت، ولی معجم‌های مشابه در دقت و جامعیت به پای آن نرسیدند.^{۲۹}

همچنین ادوارد مایر، شرق‌شناس (۱۸۵۷-۱۹۴۵)، در تألیفی که نام آن را راهنمای قرآن نامید، به جمع‌آوری مفردات قرآن کریم و افعال و حروف جر و عطف آن پرداخت. نیز برگشتراسر، پژوهش‌ای در قالب کتابی با عنوان حروف فنی در قرآن به سال ۱۹۱۱ (لایپزیک) به انجام رسانید و هم‌و به تحقیقات ویژه‌ای در مورد قرائات اهتمام ورزید و تألیفاتی را از خود بر جای نهاد؛ از جمله کتاب معجم قراء قرآن و سیره آنها، به سال ۱۹۱۲ م. وی برخی از منابع قرائی را نیز منتشر ساخت؛ مانند المختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع از ابن خالویه در سال ۱۹۲۵ م و کتاب غایة النهایة فی طبقات القراء اثر ابن جزری در سال ۱۹۳۳.^{۳۰}

مستشرقین آلمان به ترجمه، چاپ و معاجم قرآنی بسنده نکردند و به تصحیح مخطوطات قرآنی و جمع‌آوری و تصنیف و تحقیق آنها نیز همت گماردند و در انتشار بسیاری از کتب قرائت، تفسیر و تاریخ قرآن، سعی بلیغ کردند؛ از جمله هنریش فلاشر (م ۱۸۸۸ م) - تکاپوگر مطالعات عربی و آلمانی و کسی که به سبب وجود او در لایپزیک آن را به مرکز درخشان مطالعات عربی مبدل ساخت -^{۳۱} به انتشار بسیاری از آثار میراث عربی و از

مربوط به زمان‌های دور می‌شده و نویسندگان این منابع از محیط‌هایی که یهود در آن می‌زیسته، تأثیر پذیرفته‌اند. این نظریه در پایان قرن بیستم و اوایل قرن حاضر، از سوی یولیوس ولهاوزن^{۳۲}، همکار تئودور نولدکه (که با هم در محضر لاهوتی بزرگ هنریش ایوالد^{۳۳} درس آموخته بودند)، مطرح شد. در اینجا لازم است به این حقایق اشاره کنیم:

۱. تحقیقات وایل و نولدکه، ابتدا از زبان عبری و پژوهش‌های سامی آغاز شد و سپس به پژوهش‌های قرآنی پرداخت،^{۳۴} بدون آنکه از سرشت متن و محتوای قرآن شناخت عمیق داشته باشند.

۲. آنچه در مورد تورات و اناجیل حکم می‌شود، لزوماً در مورد متن قرآن کریم صحت ندارد؛ زیرا اولاً، تورات کنونی (به شهادت خودش)، تورات موسی (ع) نیست.^{۳۵} ثانیاً، متن تورات کنونی تقریباً هزار سال به طور شفاهی تداول داشته؛ یعنی از زمان موسی (قرن ۱۴ قبل از میلاد) تا قرن پنجم قبل از میلاد که به وسیله عزرا تدوین یافت و در این مدت طولانی تورات از معنای اصلی خود دور شد. به علاوه، خود عزرا و کاتبان دیگر بر متن همین تورات اضافاتی وارد ساختند.^{۳۶} ثالثاً، متن دینی و انسانی باهم در آمیخت و اسنادی که رجوع تورات کنونی را به عصر موسی اثبات کند، در دست نداریم.

۳. متن قرآن کریم به صورت کنونی اش همان متنی است که پیامبر (ص) بر کاتبان وحی املا کرد و جمع آن به عصر خلیفه ابوبکر باز می‌گردد. اما عملیات توحید مصاحف در عصر خلیفه عثمان رخ داد، و فرق واضحی است میان تدوین و جمع‌آوری قرآن: تدوین در عصر پیامبر (ص) و با نظارت ایشان به انجام رسید و جمع قرآن چیز جز جمع‌آوری و ترتیب سوره‌ها نیست.^{۳۷} اگر میان مصحف یکسان شده عثمان با متنی که پیامبر (ص) املا فرمود، اختلافی وجود داشت، قطعاً صحابه، دشمنان اسلام، منافقان و نیز اهل کتابی که به اسلام گرویده بودند، سکوت نمی‌کردند. گفتنی است کسانی که به جمع و توحید مصاحف پرداختند، همه از کاتبان وحی در عهد پیامبر (ص) بودند.^{۳۸}

به منظور آسان‌سازی رجوع به واژه‌ها و آیات مربوط به یک موضوع، شرق‌شناسان آلمان به تهیه معاجم و فهارس مختلف برای قرآن کریم مبادرت ورزیدند.

معجم گوستاو فلوگل، اولین معجم الفاظ قرآن کریم به شمار می‌آید. وی برای این معجم عنوانی عربی یعنی نجوم الفرقان فی اطراف القرآن (لایپزیک ۱۸۴۲، ۱۸۷۵، ۱۸۹۸) را انتخاب کرد. این کار الگوی تمامی معاجم در کشورهای

۲۲. ر. ک: محمدخلیفه حسن، «علاقة الإسلام باليهودية»، رؤیه اسلامیة فی مصادر التورات الحالیة، دارالثقافة للنشر والتوزیع، القاهرة، ۱۹۸۶، ص ۲۰-۲۲.

۲۳. اینولیمان، «المساهمة الألمانية فی علم الشرق الاذنی»، در الاستشراق الالماني تاریخچه و واقعه و توجهات المستقبلیه، ص ۲۵-۲۶.

۲۴. یوهان فوک، تاریخ حركة الاستشراق...، ص ۲۳۳؛ نجیب العقیقی، المستشرقون، ج ۲، ص ۳۶۶-۳۷۹.

۲۵. ر. ک: اسپینوزا، رساله فی اللاهوت و السیاسه، ترجمه و تقدیم حسن حنفی، مراجعه فؤاد ذکریا، الانجلو المصریه، ۱۹۷۱، القاهرة، ص ۲۶۵-۲۸۲.

۲۶. اسماعیل راجی الفاروقی، اصول الصهیونیة فی الدین الیهودی، ط ۲، مکتبه وهبه، القاهرة ۱۹۸۸ م، ص ۸.

۲۷. ر. ک: محمدعبدالله دراز، مدخل الی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیل مقارن، ط ۲، دارالقلم ۱۹۸۱، الکویت، ص ۳۳-۳۹؛ مناع قطان، مباحث فی علوم القرآن، ط ۱۵، مؤسسة الرساله، سوریا، ۱۴۰۵/ق ۱، ص ۱۱۸-۱۵۵.

۲۸. مناع قطان، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۲۹.

۲۹. عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۳۸۷.

۳۰. ر. ک: میثال حجا، ص ۲۰۱؛ نجیب العقیقی، المستشرقین، ص ۳۶۴-۴۵۱.

۳۱. نجیب العقیقی، المستشرقین، ص ۳۶۲.

نولدکه، گراف، وایل، ولهاوزن و بسیاری دیگر اشاره کرد. به عبارت دیگر، باید گفت که تحقیقات مرتبط با زبان عبری و عهد قدیم همزمان با تحول در تحقیقات عبری-اسلامی به انجام می‌رسید و هیچ‌یک را نمی‌توان از دیگری جدا دانست؛ بل می‌توان گفت که انگیزه‌ها و دلایل وجودی و پیشرفت آنها نزدیک به هم است. هدف اصلی و مشترک میان آن دو این بود که اهتمام به زبان عبری در آلمان اساساً با انگیزه فهم عهد قدیم به زبان اصلی آن یعنی عبری صورت گرفت.

اهداف شرق‌شناسان آلمان از پژوهش‌های قرآنی

انگیزه‌های اهتمام شرق‌شناسان آلمان به طور کلی به پژوهش‌های اسلامی و خاصه پژوهش‌های قرآنی، به دلیل اختلافات فکری و ایدئولوژیک آنها متفاوت است. از این رو، شرق‌شناسی مذهبی با شرق‌شناسی لائیک تفاوت دارد. به رغم چنین اختلافی، همه آنان در انگیزه دینی اشتراک دارند. شاید بتوان دلایل آنان را در این موارد مشخص کرد:

الف) ارائه چهره مشوه از اسلام در دنیای غرب از طریق ترجمه‌های غیر امین قرآن کریم؛ به گونه‌ای که اهداف عقیدتی و مذهبی آنها را تأمین کند. از این روی، میان ترجمه‌ای که یکی از رجال دینی یهودی یا مسیحی ارائه داد، با ترجمه مستشرق با مذهب و ایدئولوژی خاص، تفاوت وجود دارد.

ب) تجهیز مسیحیان به حجت‌های درست برای تثبیت ایمان آنها؛ چه رجال مذهبی، دین اسلام و قرآن کریم را بزرگ‌ترین تهدید برای کلیسا قلمداد می‌کنند. همچنین به دلیل آنکه آنان معتقدند قرآن کریم بسیاری از عقاید مسیحی را پذیرفته و محمد(ص) قادر به فهم عقاید مسیحی نبوده، چهره‌ای مشوه از مسیح در قرآن ارائه داده‌اند.

ج) آشنایی مسیحیان و به ویژه مبلغان مسیحی با تعالیم دین اسلام از طریق قرآن کریم تا افرادی که به نشر و گسترش مسیحیت می‌پردازند، از تعالیم و ناسخ و منسوخ و قرائات شاذ آن آگاه گردند و آن را دلیلی بر تناقض‌گویی قرآن کریم جلوه دهند. یوهان فوک می‌گوید: «فکر گسترش مسیحیت، انگیزه

جمله تفسیر القرآن قاضی بیضاوی در سال ۱۸۴۶ م، اهتمام ورزید. این تفسیر را قبل از او، شرق‌شناسی به اسم فرایتاگ، استاد زبان‌های شرقی بن، با عنوان اسرار التأویل و انوار التنزیل بیضاوی (لایبزیگ ۱۸۴۵ م) منتشر ساخته بود.^{۳۲} چاپ فلاشر، علی‌رغم فقدان نقدگزاری لازم و عدم اشاره به مخطوطات مورد استفاده، نشان تسلط او به زبان عبری و شناخت وی از اسلام است.^{۳۳}

همچنین وستفلد (م ۱۸۸۹ م) نیز کتاب المعارف ابن قتیبه را به سال ۱۸۵۰ م در گوتینگن منتشر ساخت و اشمیلدرز (م ۱۸۸۰ م) کتاب المنقذ من الضلال ابو حامد غزالی را تصحیح و چاپ کرد.^{۳۴}

نباید از یاد ببریم که برگستراسر شرق‌شناس، موزه‌ای را تأسیس کرد تا در آن تمامی کتب قرائت و تفاسیر مختلف قرآن را گردآورد. اما این طرح به سبب درگذشت زود هنگام وی، به سرانجام نرسید و اتوبرتزل به اتمام آن همت گمارد.^{۳۵}

علاوه بر اینها، می‌توان به پژوهش‌های شرق‌شناسان درباره اهل کتاب در منابع اسلامی اشاره داشت؛ مانند: پژوهش سیمول و ایل در مورد تورات در قرآن (اشتوتگارت ۱۸۳۵ م)، مجموعه مقالات هریشفلد (م ۱۹۳۴ م) در باب تحقیقات یهودی-اسلامی که در مجله فصول یهودی (۱۹۱۰-۱۹۱۱ م) به چاپ رسید، پژوهش فریلیندر در مورد ملل و نحل شهرستانی که در کتاب یادنامه نولدکه به قلم کارل بیتسولد (گیسن ۱۹۰۶ م) به چاپ رسید، پژوهش باومشتارک (متولد ۱۸۷۱ م) در مورد مسیحیت و یهودیت در قرآن (۱۹۲۷ م) و نیز پژوهش او تحت عنوان مذهب طبیعت واحده نصرانی در قرآن (۱۹۵۳ م).

اما دیوید هارینگ بانت که در آغاز حیات علمی خود به پژوهش‌هایی در زبان قدیم آرامی و زبان‌های کنعانی پرداخت، زبان عبری و فلسفه اسلامی را در آکادمی یهودی علم آموخت و در تحقیقات عبری تخصص یافت. وی آثار بسیاری را از خود به جای گذارد؛ از جمله نقد او بر کتاب الحجه و الدلیل فی نصره الدین الدلیل اثر یهودا هالیوی و تفتیح مباحث کتاب الملل الثلاث از ابن کمونه همراه با ترجمه آلمانی آن.^{۳۶}

پژوهش‌های عبری-اسلامی در آلمان، از پایان قرن ۱۷ م تحول یافت و از زمان رایسکه بعد جدیدی را آغاز کرد و سپس در خلال قرن ۱۹ م تحول شگرف یافت. چنانچه به آثار شرق‌شناسان آلمانی در اثنای قرن ۱۸ و ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ نگاهی کنیم، مشارکت‌های علمی بسیاری از اینان را در زمینه تحقیقات عبری-اسلامی از یک طرف و تحقیقات عبری و عهد قدیم را از طرف دیگر می‌توان ملاحظه کرد. در این زمینه می‌توان به فلاشر،

۳۲. یوهان فوک، تاریخ حركة الاستشراق...، ص ۱۷۷.

۳۳. همان، ص ۱۷۷.

۳۴. نجیب العقیقی، المستشرقون، ص ۳۶۷؛ عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۲۷.

۳۵. نجیب العقیقی، المستشرقون، ص ۴۵۰؛ عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۵۴.

۳۶. ر. ک: نجیب العقیقی، المستشرقون، ص ۴۰۰، ۴۳۱ و ۴۷۹.

اصلی کلیسا برای ترجمه قرآن کریم بوده است...» ۳۷.

د) زمینه سازی برای شناخت عقاید اسلامی به عنوان اساس تمدن اسلامی. این امر موجب اصلاح دینی در آلمان و شناخت حقایق دین اسلام شد؛ به گونه ای که پژوهش های برخی از شرق شناسان که به واقعیت نزدیک تر بود، مایه شگفتی آنان از اسلام و پیامبرش شد؛ چنان که یوهان یاکوب رایسکه می گوید: «در پایه های اسلام چیزی خدایی می بیند» ۳۸.

همچنین تعدادی از شرق شناسان همچون لیوبولد وایس (محمد اسد)، مراد هوفمان و برخی دیگر اسلام آوردند. به علاوه، باید به ابراز شگفتی شاعر آلمانی فریدریش رکر (۱۷۸۸ - ۱۸۶۶) از زبان عربی و فارسی و نیز قرآن کریم (که یک سوم آن را ترجمه لفظی کرده) اشاره کنم. ۳۹

اما گونه دیدگاه خود را در مورد قرآن کریم به روشنی آشکار ساخته و برخی از آیات قرآن را در دیوانش به نام دیوان شرقی از مؤلف غربی ۴۰ آورده و شرق شناس اتریشی جوزف هامرفون پورگشتال (۱۷۷۴ - ۱۸۵۶) نیز مقدمه خود را بر مجله سرچشمه های شرق، با آیه «قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» (سوره بقره، آیه ۱۴۲) شروع کرده است. ۴۱

نتایج اهتمام شرق شناسان آلمان به پژوهش های اسلامی

با آنکه رجال کلیسا می توانستند از ترجمه معانی قرآن کریم، در جهت فهم و جوه مشابهت داستان های تورات و انجیل و قرآن، شناخت ابعاد مشترک میان این ادیان، تصحیح مفاهیم نادرستی که در کتب آسمانی آنها وارد شده و نیز گفتگوی علمی توأم با احترام متقابل میان ادیان آسمانی بهره گیرند، اما کوشیدند تا از این ترجمه ها علیه اسلام سود ببرند. نمود واضح این مطلب را در دیدگاه بطرس مبدل در خلال درخواستش برای ترجمه قرآن کریم می توان ملاحظه کرد. مارتین لوتر نیز در بیانیه خود می گوید: «یقیناً برای محمد و ترک ها (مسلمانان) هیچ چیز مضرت ر و آسیب رساننده تر از ترجمه قرآن و انتشار آن در میان مسیحیان نیست» ۴۲.

با نگاهی به روند ترجمه لاتین قرآن و تحریم آن، این مطلب دانسته می شود که پاره ای از دیدگاه ها، ترجمه قرآن کریم را تهدیدی برای قداست عهدین (قدیم و جدید) به شمار می آورده است. سخن مارتین لوتر نیز نشان می دهد که خود وی آن خطر را از خلال خواندن مستقیم ترجمه لاتین قرآن کریم و آثار فلسفی اسلامی در آن زمان درک کرده بود و از این رو، به چاپ ترجمه قرآن کریم سفارش می کرد و درصدد ارائه اصلاحات معروفش (که جوهر آن با صورت اسلامی و مسیحی توافق داشت)

بود؛ ۴۳ چنان که آبراهام هنکلمان به هنگام انتشار قرآن کریم نیز به همان شیوه عمل کرد.

ترجمه عهدین (قدیم و جدید) به وسیله لوتر و چاپ های متعدد آن، تقارن این اقدامات با بیانیه تجویز چاپ ترجمه قرآن کریم، افزایش این ترجمه ها و سپس ارتقای پژوهش های عربی-اسلامی و عبری و یهودی در آلمان، به این نتایج انجامید:

۱. آگاهی از وجود ارتباط میان قصص قرآن و تورات و انجیل و تحقیق در مورد حقایق که مورد پذیرش عقل واقع شده است؛

۲. شناخت موضع قرآن در مورد تورات و انجیل؛

۳. تغییر و تحول در اصلاحات دینی.

رویکرد جدید شرق شناسان آلمان

بر اثر این شناخت، دورویکرد در بررسی های شرق شناسانه آلمان نمایان شد: رویکرد تحقیق در اشباه و نظایر در میان کتب دینی، و رویکرد نقدی کتاب مقدس.

رویکرد اول: این رویکرد که به تحقیق در شباهت های قرآن کریم و عهدین (تورات و انجیل) می پرداخت، با کتاب شرق شناس یهودی-آلمانی، آبراهام ژاگیر، با نام اقتباسات محمد از یهودیت آغاز شد. این آغاز با ظهور علم زبان شناسی تطبیقی تقارن داشت. شایع است که علم زبان شناسی تطبیقی پس از کشف زبان سانسکریت رو به پیشرفت گذاشت و طی مراحلی در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به اوج خود رسید. این پیشرفت در نتیجه به کارگیری نظریات تکوینی

۳۷. یوهان فوک: تاریخ حرکة الاستشراق...، ص ۱۴.

۳۸. عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۲۰۵.

۳۹. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق...، ص ۳۴-۳۵.

۴۰. کاتارینا مومزون، جوتة و العالم العربی، ترجمه عدنان عباس علی، مراجعه عبدالغفار مکاری، سلسلة عالم المعرفة، العدد ۱۹۴، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب، الكويت، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م، ص ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۳۸ و ۳۰۱.

۴۱. یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق، ص ۱۶۳.

۴۲. ر. ک: ثابت عید، ترجمة معانی القرآن الکریم الالمانیة بین سموم المستشرقین و جهود المسلمین، الحلقة الثانية، فی الحیاة، العدد ۱۱۹۹، ۲۰/ ۱۲/ ۱۹۹۵، ص ۲۱.

۴۳. از مهم ترین این اصطلاحات است: انکار عشای ربانی، انکار حق کنیسا در غفران، رد منع ازدواج مردان دین. برای تفصیل در مورد اصطلاحات مذهب پروتستانی ر. ک: الامام محمد ابوزهره، محاضرات فی النصرانیة، ط ۳، دارالفکر العربی، القاهرة، من دون تاریخ، ص ۱۸۳ و ۱۸۸؛ محمد خلیفه حسن، تاریخ الادیان، دراسة وصفیة مقارنة، من دون دار نشر، القاهرة ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۶م، ص ۲۳۵-۲۳۶.

شرق شناسان آلمانی به این موضوع پرداختند. پاره ای از اینان قرآن کریم را به خاستگاه یهودی منسوب ساختند؛ مانند هریشفلد در کتاب عناصر یهودی در قرآن^{۵۳} (برلین ۱۸۷۸م) و شایبرو در کتاب عناصر یهودی در داستان های قرآن^{۵۴} (فرانکفورت ۱۹۰۷م).

پاره ای دیگر از شرق شناسان مسیحی، قرآن کریم را به منابع مسیحی منسوب کردند؛ مانند جی. الف گروک: کوششی برای توصیف عناصر مسیحی در قرآن ۱۸۳۹م^{۵۵}؛ ردولف: ارتباط قرآن با یهودیت و مسیحیت، اشتوتگارت ۱۹۲۲م^{۵۶} (هربرت بوسه در مورد این عنوان می گوید: «لازم است که فریب این عنوان را نخوریم؛ چه مؤلف پیروی قرآن از مسیحیت را تأیید کرده است»)؛ کارل آرنس: عناصر مسیحی در قرآن. ۵۷

همان گونه که زبان شناسان، همه زبان ها را به مجموعه های زبانی تقسیم بندی کرده اند، دانشمندان دینی نیز ادیان جهان را در مجموعه های دینی نهادند. ۵۸

اینان ادیان یهودی، مسیحی و اسلام را در مجموعه ادیان

۴۴. محمود فهمی حجازی، علم اللغة العربیة، مدخل تاریخی مقارن فی ضوء التراث و اللغات السامیة، دارالثقافة للطباعة والنشر القاهرة، ص ۱۲۶ و ۱۲۸.

۴۵. محمود فهمی حجازی، علم اللغة العربیة...، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۴۶. ر. ک: محمدحسین علی الصغیر، ص ۳۲، ۳۳.

۴۷. اینولیمان، الاستشراق الآلمانی...، ص ۲۶.

۴۸. همان، ص ۲۶-۲۷.

۴۹. یوهان فوک، تاریخ حركة الاستشراق...، ص ۸۵.

۵۰. همان، ص ۸۵.

H. Speyer, *Die bibische Erzeuhungen in Qoran*. Berslau 1931.

چاپ دوم این کتاب در هیلدزهایم (۱۹۶۱م) انجام گرفته است.

51. *Judaism in Islam, Biblical and Talmudic Backgrounds of the koran and its commen taries*, suras III, N. Y. UP. 1954.

52. Ibid, P. XViii.

53. H. Htrschfeld, *juedische Elemente im koran*, Berlin, 1878.

54. Ischapiro: *Die Haggadisehen Elemente im erzaehlende Teil des korans*. Frankfurt, 1907.

55. J. F. Gerok: *Varsuch ainer Darstellung der christologie des korans*, 1839.

56. W. Roudolph: *Die Abaengigkeit des. Qorans von juden- tur and christentum*, stuttgart 1922.

57. kal Ahrens: *christliches im qoran in: ZDMG84 (1930)*, pp. 15-68, 148-190.

۵۸. محمد خلیفه حسن، تاریخ الادیان، دراسة وصفیة مقارنة، ص ۳۱ و ۴۸.

داروین از سوی شلایشر و تطبیق آن در زمینه زبان ها حاصل شد. ۴۴ کتاب شلایشر با موضوع نحو تطبیقی زبان های هندی- اروپایی منجر به تأسیس مکتب ادبای جوان شد. زبان شناسان نیز در تفسیر پدیده های مشترک زبانی به کار بست روش تاریخی می پرداختند. ۴۵ شرق شناسان پژوهشگر در بررسی های دینی و به ویژه در مطالعات تطبیقی اسلام با یهودیت و مسیحیت هم از روش تاریخی و تطبیقی استفاده می کردند.

کتاب ژایگر منبع اساسی تمامی پژوهش های ارائه شده بعدی به شمار می رفت؛ چنان که کتاب تاریخ قرآن تئودور نولدکه در تمامی مطالعات شرق شناسی مربوط به تاریخ متن قرآن، تأثیر مهم و بسزایی داشت؛ چنان که پاره ای از این مطالعات به بررسی بخش معینی از تاریخ قرآن کریم انجامید. ۴۶ همچنین تحقیقات او در زمینه نحو تطبیقی زبان های سامی راهگشای تمامی محققان در این زمینه بود. ۴۷

تحقیقات ژولیوس ولها وزن نیز در زمینه تاریخ صدر اسلام و پژوهش های عهد قدیم در آثار محققان بعدی تأثیر گذاشت. ۴۸

نیز کتاب ژایگر در تمامی پژوهش های تطبیقی اسلام و یهودیت و یا اسلام و مسیحیت مؤثر افتاد؛ چنان که نولدکه کتاب ژایگر را ستود و ملاحظات او در زمینه اسلام و ارتباطش با داستان های یهودی را هوشمندانه خواند. ۴۹

پس از گذشت یک قرن از انتشار کتاب ژایگر، اسپایر معتقد بود که ژایگر از پاره ای مسائل در این کتاب غافل مانده و به آن اشاره نکرده است. بنابراین او دست به تألیف کتابی جامع زد و در آن به بررسی قصص تورات و انجیل در قرآن کریم پرداخت. ۵۰

آبراهام کاتش در کتابش، یهودیسم در قرآن، ۵۱ سوره بقره و آغاز سوره آل عمران را آیه به آیه، بررسی و [روایات] دو سوره را به عناصر یهودی و خاصه روایات عهد قدیم و تلمود منسوب کرد. این کتاب پس از کتاب ژایگر از مهم ترین آثار شرق شناسی در این موضوع به شمار می آید. کاتش در مقدمه کتاب می گوید:

«زمانی که ژایگر کتابش، اقتباسات محمد از یهودیت، را نوشت، تعدادی از محققان کوشیدند نظریه او را مبنی بر اینکه اسلام به شدت به نوشته ها و آثار عبری مدیون و وابسته است، تأیید کنند». ۵۲

از سخن کاتش برمی آید همچنان که به دنبال آثار نولدکه و ولهاوزن، پژوهش هایی در جهت تقویت دیدگاه و اصول این دو دانشمند پدید آمد، در پی انتشار کتاب ژایگر نیز پژوهش های بسیاری همسو با روش ژایگر به منصف ظهور رسید و بیشتر،



و حیانی در مقابل ادیان ساختگی همچون بودا، هندو و دیگر ادیان غیر الهی قرار دادند. از این منظر، ادیان و حیانی، دارای منبعی واحد یا همان منبع الهی اند. از کسانی که به توحید منبع ادیان آسمانی اذعان داشته اند، شرق شناس معاصر آلمانی، هربرت بوسه است که در کتابش پیوند اسلام با یهودیت و مسیحیت بدان اشاره کرده است.^{۵۹} وی علت همانندی میان این ادیان را وحدت منبع دانسته است؛ چنان که عدم پرداختن ژولیوس ولهاوزن، دانشمند پژوهش های اسلامی و عهدین قدیم و جدید، به مقوله منبع قرآن کریم^{۶۰} - به رغم نقدهای تند او بر عهدین - خود تأیید کننده این مطلب است که قرآن کریم تنها متن و حیانی است که تحریف و تبدیل در آن راه نیافته، ولی برخلاف آن، تحریف در عهدین راه یافته است.

اکنون این سؤال مطرح است که اگر بنابر نظر زبان شناسان تطبیقی، پدیده های مشترک میان مجموعه زبانی واحد، همان پدیده های زبانی به جا مانده از زبان اصلی است و نزدیک ترین زبان ها به زبان اصلی (که تا کنون هم به تعیین آن توفیق نیافته اند) زبانی است که دارای ویژگی های قدیمی است، پس چرا این شیوه را در مورد بررسی کتب دینی نمی پذیرند؟ حال آنکه مشابهت میان قصص و عقاید دینی به وحدت منبع برمی گردد و کتابی که همزمان با نزول وحی، تدوین و حفظ شد و در آن تحریف و تصحیف راه نیافت، همان متن اصلی وحی و همان متن و حیانی است و کتاب هایی که طرف داران آن به تحریف و تغییر آن اذعان دارند، از متن اصلی یا متن و حیانی دور شده اند.

از آنچه بیان شد، می توان گفت ما با سه نظر متباین شرق شناسانه رو به رو شده ایم:

اول: منبع قرآن کریم را منابع یهودی می داند؛

دوم: قرآن کریم را برگرفته از منابع مسیحی می داند؛

سوم: نظری که وجود تشابه میان قصص در یهودیت و مسیحیت و اسلام را به وحدت منبع مربوط دانسته است. این دیدگاه، خود وحی را منبع و اعتبار کرده است.

این تناقض گویی در میان شرق شناسان، بلکه سکوت پاره ای از ایشان درباره منبع قرآن کریم، تردیدشان در تورات و اناجیل، همچنین پذیرش دو دین سابق از جانب قرآن کریم و تبیین ورود تحریف در کتاب ها و عقاید آنها (که خود شرق شناسان یهود و مسیحی نیز آن را به اثبات رسانیده اند)، دلیل شرق شناسی بر صحت منبع متن قرآن به شمار می آید و قرآن به عنوان تصحیح کننده کتاب هایی که از اصل الهی خود به

دور افتاده اند، مطرح می شود.

دلیل دیگر بر اینکه قرآن کریم، از یهودیت و مسیحیت اخذ نشده، این است که از دهه سوم قرن بیستم میلادی مراکز لاهوتی و مسیحی به گفتگو با اسلام توجه کردند و بعد در سال ۱۹۶۵ در واتیکان قرار نامه ای برای گفتگو با ادیان غیر مسیحی و از جمله اسلام صادر و مرکزی ویژه برای گفتگوی با اسلام دایر شد.^{۶۱} همچنین بسیاری از پژوهش های شرق شناسی در مورد چهره مسیح در قرآن کریم به انجام رسید. در این زمینه به کتاب حقایق ایدئولوژی مسیحی در قرآن اثر جوزف هنینگر می توان اشاره کرد. از تحقیقات مهمی که چهره مسیح در قرآن کریم را کاویده، پژوهش دانشمند عهد جدید (انجیل)، هیکی رایزن، در کتابش (چهره مسیح در قرآن: پژوهش های در ربانیت قرآن) است. تغییر هجوم به گفتگو و ارزیابی چهره مسیح در قرآن کریم (به رغم ورود خطاهای عمدی و سهوی در این ارزیابی)، تحولی مثبت از طرف مراکز کلیسایی و استشرافی بوده است.

رویکرد دوم: همان رویکرد نقدی ویژه کتاب مقدس است که در آلمان شاید از اصلاحات مارتین لوتر آغاز شده باشد، خاصه پس از این طرز فکر او که فهم کتاب مقدس، حق تمامی مسیحیان با سواد است و پس از آنکه حق فهم تورات و انجیل را رجال دینی در انحصار خود می دیدند و هیچ نقدی را بر این حق ولو در صورت تعارض با عقل وارد نمی دانستند.^{۶۲} این رویکرد به شکلی جدی، همزمان با پیشرفت تحقیقات عربی و اسلامی در آلمان، گسترش یافت و به سطحی رسید که دانشمندان عهد قدیم، نقد تورات را به دو بخش تفکیک کردند: بخش اول، نقد بیرونی یا اولیه (Lower criticism) یا همان نقد خارجی و دوم، نقد عالی یا پیشرفته (Hijher criticism) یا همان نقد داخلی. در آلمان در حد وسیع اصطلاحاتی چون: نقد متنی (Textkritik) و نقد ادبی (Literakritik) در مقابل اصطلاحات گذشته گسترش و رواج یافت.

نقد اولیه (خارجی) یا نقد متنی، قدیم ترین نوع نقد است. این نقد در وهله اول، به جرح و تعدیل و تنظیم مجدد اسفار

59. Heabert busse, *Die Thecologischen beziehungen des is-lams zu judentum and christentum*, Darmatadt. wissenschaftliche buchgesllschaft, 2. SUF, pp. 30 - 37.

۶۰. همان، ص ۳.

۶۱. همان، ص ۱۶۴ و ۱۷۶.

۶۲. الامام محمد ابوزهره، محاضرات فی النصرايه، ص ۱۷۰ و ۱۸۰.

کلام خدا را می شنوند و آن را پس از اینکه دریافت کردند و فهمیدند، تحریف کردند...»^{۶۷}.

این کثیر علاوه بر تحریف لفظی، به تحریف در شریعت نیز قائل شده است. شاید بتوان این موضوع را با اختلاف میان فرقه یهودی قبل از اسلام در شرایع و اعتقادات از طرفی و فرق های یهودی که پس از اسلام (خواه در قرون وسطا و خواه در دوران معاصر) ظهور یافتند، مربوط دانست.^{۶۸}

بی شک شرق شناسان از طریق ترجمه های مختلف قرآن کریم یا پژوهش های دیگر خود از این آیه آگاهی یافته اند.

شرق شناسان اصطلاحات تحریف و تعدیل و غیره را اخذ و به آنها تعدیل عمدی اطلاق کردند. این تعدیل (تغییر) که از سوی کاتبان در خلال دوران عزرا تا قرن پنجم میلادی صورت گرفت، با متن آیه قبل مطابقت دارد. اما فقره «و قد کان فریق منهم» اشاره دارد به گروه سامریان که نسخه تورات اینان با متن متداول آن اختلاف داشت.

۶۳. در مورد تحول نص ماسورار. ک:

Georg fotherer... *Exegese des Alten Testaments*, Quell & Meyer, Heidelberg 1983 (4. auf) pp. 33-36; Ernst wuerthwein: *Der Text des Alten Testaments: Eine Einfuehrhu in die Biblia Hebraica deutsche Bibgesellschaft, stuttgart - 1952, 1988, pp. 13-52;*

John H. Hayes: *An intrduction to o. T. Study 1st, British ed, Scm press-1982, pp. 20-34.*

۶۴. زالمان شازار، تاریخ نقد العهد القديم من اقدم العصور حتى العصر الحديث، ترجمه: احمد محمود هویدی، مراجعه: محمد خلیفه حسن، المشروع القومي للترجمه، عدد ۲۰۴، المجلس الاعلی للثقافه، القا، ۲۰۰۰م، ص ۲۲-۲۵.

۶۵. ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۶۶. ابوالفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی، الملل والنحل، تحقیق محمد سید کیلانی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۲۱۲.

۶۷. محمد علی الصابونی، مختصر تفسیر این کثیر، ط ۷، دارالقرآن الکریم، بیروت، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۱م، مجلد ۱، ص ۸۰.

۶۸. از جمله اختلاف ها میان فرقه های قبل از ظهور اسلام، این است که فرقه سامریان به دلیل اینکه به خاتم بودن موسی (ع) ایمان دارند، فقط به اسفار پنج گانه ایمان آورده اند و اجزای دیگر عهد قدیم را رد می کنند؛ اما فرقه صدوقیان به اسفار عهد قدیم ایمان داشته، ولی مشنا و تلمود و تمامی میراث شفاهی و نیز به ملائکه و برخاستن اموات از قبور و قضا و قدر ایمان ندارند، بر خلاف طایفه آسینیون که به این امور اعتقاد دارند. ر. ک: حسن ظاظا، الفکر الدینی الاسرائیلی، اطواره ومذاهبه، مکتبه سعیدرافت، القا، ۱۹۷۵م، ص ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۹ و ۲۷۲.

می پردازد. ۶۳ چنانچه به فرایند تغییر متن تورات از عصر موسی تا ثبت آن از سوی عزرا و سپس کشف قدیم ترین نسخه مخطوط آن یعنی دست نوشته لنینگراد (که تاریخ آن اوایل قرن یازدهم میلادی است) نظری کنیم، خواهیم دید که متن تورات مراحل مختلفی را گذرانده: مرحله اول از زمان موسی (ع) تا تدوین و ثبت آن در عصر عزرا به طول انجامید و در خلال این دوره تورات شفاهاً متداول بود و از این رو، بسیاری از آرای انسانی به آن اضافه شد و دستیابی به متن اصلی تورات را سخت گردانید.

مرحله دوم از ثبت تورات از سوی عزرا تا ضبط متن عهد قدیم به طول انجامید. در این دوره پاره ای دخل و تصرفات در متن تورات از جمله به وسیله کاتبان و افرادی که کار عزرا را ادامه دادند (یعنی از زمان عزرا تا حوال ۵۰۰ میلادی)، رخ داد. در تلمود به برخی از این تغییرات اشاراتی رفته، اما توجیهی دینی برای آن ارائه شده است. ۶۴ ناقدان عهد قدیم تعدیلات رخ داده در متن عهد قدیم را به تعدیلات عمدی و غیر عمدی تقسیم کرده و هر کدام را از دیگری باز شناسانیده اند. این کار از طریق مقایسه نسخه های مختلف عهد قدیم از طرفی و قدیم ترین ترجمه های آن خاصه ترجمه ده هفتاد و ترجمه های آرامی از طرف دیگر، به انجام رسیده است.

قرآن کریم در این رویکرد نقدی، از غرب سبقت گرفته است؛ چرا که در آیه ای به تغییرات عمدی تورات اشاره کرده است: «و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون» (سوره بقره، آیه ۷۵).

طبری در تفسیر آیه گفته: «لفظ فریق مانند طائفه مفرد ندارد و "منهم" یعنی از بنی اسرائیل و کسانی که تحریف و کتمان می کنند، علمای ایشان اند». همچنین گفته: «اینان تورات را به تحریف کشانند و در آن آنچه دوست داشتند، اضافه و هر آنچه نمی پسندیدند، محو کردند»^{۶۵}. معلوم است که طبری در اینجا به تحریف عمدی به شیوه حذف یا اضافه، اشاره کرده است. شاید منظور طبری از علما، همان کاتبان بوده باشد؛ چرا که کاتبان، تورات را به عمد تغییر دادند.

شهرستانی در مورد تحریفاتی که یهود در تورات وارد ساختند، می گوید: «تحریف یا از لحاظ نوشتار و ظاهر رخ می دهد یا از جنبه تفسیر و تأویل».^{۶۶}

این کثیر در تفسیر خود بر این آیه می گوید:

«یعنی اینان کلام خدا را به درستی تأویل نکردند. سندی گفته: تورات را تحریف کردند... قتاده گفته: اینان یهودند که

است.^{۷۱} این کلام، بدین معناست که تورات کنونی، مجموعه‌ای از کارهای مختلف و لایه‌های متنوع است و به یک مؤلف و یک زمان، منسوب نیست. این رویکرد نقدی به نام نقد مصدری/منبعی شناخته می‌شود. این نقد به دست شرق‌شناسان آلمان از ایشهورن تا ژولیوس ولهاوزن، تکامل زیادی یافت. اگر حرکت اصلاح دینی از کلیسای ویتمبرگ (موطن مارتین لوتر) نشئت گرفت، نقد پیشرفته نیز در گوتینگن بروز ظهور و گسترش یافت [...].

بیشتر شرق‌شناسان آلمانی که در زمینه نقد مصدری تورات کار کرده‌اند، مستقیم و غیر مستقیم با تحقیقات عربی-اسلامی ارتباط داشته‌اند. این ارتباط در آرای نقدی اینان بر تورات تأثیر گذار بوده است. همچنین بیشتر شرق‌شناسان آلمانی که در نقد تورات دستی داشته‌اند، جزء رجال مذهبی پروتستان بوده‌اند. ایشهورن (متولد ۱۷۵۲ م) از رجال مذهبی و معاصر شرق‌شناس یوهان یاکوب راسکه بوده و رساله‌ای در نقدهای عربی منتشر کرده است.^{۷۲} شک نیست که وی برای شناخت اسلام و کارهای تحقیقی خود زبان عربی را فرا گرفته و چالش میان رایسکه و میخائیلس را هم شاهد بود.^{۷۳} همزمان او نزد میخائیلس که از رجال بارز مذهبی پروتستانی و دارای تحقیقات مهمی در نقد عهد قدیم و به ویژه نقد تاریخی و فیلولوژی عربی و سریانی است، تلمذ می‌کرده است.^{۷۴} این شرایط قطعاً در ایشهورن تأثیر گذار بوده، به ویژه آنکه او زبان عربی را نیز فرا گرفته بود. به دلیل آنکه او از رجال مذهبی به شمار می‌رفت، در اینکه تورات کنونی را موسی تألیف کرده، تردیدی نداشته؛ اما مانند آستروک معتقد بوده که تورات از تعدادی منابع اصلی و منابع فرعی تألیف یافته. با وجود این اظهار و با اینکه او اختلافات ساختاری و ادبی تمامی منابع را پذیرفته، وی از تورات دفاع کرده است.^{۷۵} کتاب ایشهورن اولین تألیف با این رویکرد به شمار می‌آید. لذا وی را مؤسس علم مدخل‌های عهد قدیم که اکنون در غرب به عنوان

شهرستانی به اختلاف زبان سامریان با زبان یهود اشاره کرده و گفته است که تورات به زبان آنها بود (و این زبان به عبرانی نزدیک بود) و آن‌گاه به سریانی ترجمه شد.^{۶۹} به عبارتی، شهرستانی به وجود اختلافات میان تورات سامری و تورات یهود واقف بوده و می‌دانسته که این اختلاف نه تنها در مضمون بلکه در زبان نیز وجود داشته است. مسعودی نیز در کتاب مروج الذهب در بسیاری از جاها به نقدهایی از تورات به ویژه به فقدان متن اصلی و عدم مستندسازی آن پرداخته و گفته:

«سومریان معتقدند تورات در دست یهود، توراتی نیست که موسی بن عمران-رضی الله عنه- آورده، بلکه آن تحریف و تغییر یافته است، و می‌گویند: راوی تورات در دست یهود، زروبا بل بن سلسان است»^{۷۰}.

همچنین مسعودی نوشته:

«در نسخه دیگر [از تورات] دریافتم که متزوج در قوم بنی اسرائیل همان بختنصر است که آنها را پذیرفت و بر آنها منت گذارد».

این دو عبارت مسعودی، نشان دهنده وجود نسخه‌های مختلف و متعدد تورات در عصر مسعودی است.

همچنین میان نسخه‌های قمران (که در نیمه قرن حاضر کشف شده) با متن متداول تورات، و نیز میان متن ماسورا و قدیم‌ترین ترجمه‌های عهد قدیم یعنی ترجمه‌های آرامی و ترجمه دهه هفتاد، اختلاف زیادی وجود دارد. پاره‌ای از شرق‌شناسان آلمان با کوشش بسیار دست به نقد متن زدند و دو نسخه علمی از متن عهد قدیم منتشر ساختند: یکی، نسخه *Biblia Hebraica von R. Kittel* با نام اختصاری BHK و نسخه *Biblia Hebraica Stuttgartensia* با نام اختصاری BHS. این دو نسخه به اختلاف نسخه‌های دیگر اشاره می‌کند و خواننده به وسیله کلید اختصارات در هر یک از نسخه‌ها این اختلافات را در می‌یابد.

اما نوع دوم نقد یعنی نقد برتر (داخلی) یا همان نقد پیشرفته، دارای دو مفهوم است: یکی، مفهوم عام که شامل بیشترین آرا درباره عهد قدیم، همچون: مشکل تألیفات، پیشینه فرهنگی تاریخی مؤلف و تبیین ارتباط میان مؤلف و تألیف است. دوم، مفهومی خاص که شامل بررسی تطور ادبی متن بر این پایه است که متن قبل از شکل نهایی اش، از لایه‌های مختلف تشکیل یافته است. این همان اسلوب تحقیق تحلیلی است که هدفش پیراستن منابع یا روایات مختلف و بازگرداندن هر لایه به اصل خود و رسیدن به مراحل جمع، تلفیق و رسیدن به شکل نهایی آن

۶۹. شهرستانی، الملل و النحل، ص ۲۱۹.

۷۰. المسعودی، مروج الذهب، ص ۶۱.

۷۱. همان، ص ۶۱.

۷۲. عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۲۰۹.

۷۳. یوهان فوک، تاریخ حركة الاستشراق، ص ۱۱۶.

74. Hans-Jochim kraus, *Geschichte der histerischkritischen Erforschung Alten Testaments*. 4. AUF. Neukirchener verlag 1988, pp. 97-103. 133.

75. Hans-Joachim kraus, pp. 131-133.

مؤثر افتاد، به ویژه پژوهش‌های او در مورد متن دو سفر صموئیل (Der Text der Buecher samraits، ۱۸۱۷) و ترجمه و تفسیر اسفار انبیای صغار (Die Kieinen propheten nebersetzt and) (۱۸۹۲، erklaert).

ولهاوزن همچنین به عنوان مورخی برجسته، بحث‌های مهمی در تاریخ تحول دیانت بنی اسرائیل ارائه داد. وی علاوه بر جنبه‌های زبانی، روش نقد ادبی را به کار بست.

او در پژوهش مهمی که در باب اسفار شش‌گانه ارائه داده (Die compositiom des heuateuchs، ۱۸۶۶)، از این روش بهره جست ... ۷۹.

به رغم اینکه از کوشش‌های ولهاوزن در نقد تورات تقریباً یک قرن می‌گذرد، اما آثار او همچنان به عنوان منبع اساسی مورد استفاده مخالفان و موافقان او قرار می‌گیرد و باعث گشایش بایی تحت عنوان نقد نقد شده است.

می‌توان گفت که میان روش نقد تاریخی دانشمندان مسلمان (و کاربرد آن در زمینه ملل و نحل و یهود و مسیح‌شناسی) و روش نقد مصدري دانشمندان عهد قدیم‌شناسی و خاصه طرف‌داران نظریه مصادر (که شرق‌شناسان آلمان از ایشهورن و گراف و رویس تا ولهاوزن و افراد بعد از اینها مانند ایسفلد، فون راد و اسمند آن را تحول دادند)، ارتباط محکم وجود دارد.^{۸۰} این ارتباط آن‌گاه روشن می‌شود که بدانیم روایت دینی در حوزه تاریخ‌نگار ادیان، شامل دین و تاریخ و ادبیات می‌شود^{۸۱} و این همان ستونی است که نظریه مصادر تورات بر آن استوار است.

پایه‌ای که نظریه مصادر بر آن قرار دارد، در آغاز بر اختلاف اسامی الوهیت استوار شده بود و در مرحله بعد اصطلاحات زبانی، نقش مهمی را در تعیین کیفیت مصادر و در پی آن، تاریخ‌گذاری تمامی مصادر تورات ایفا می‌کرد. به عبارتی، از راه تعیین مصادر تورات، گرایش‌های دینی و فکری مصادر و ویژگی‌های ادبی و ساختاری آنها^{۸۲} و از خلال نگاه دینی و

۷۶. درباره مداخل عهد قدیم و تحقیقات جدید درباره تورات ر. ک: همان، ص ۴۴۰-۴۵۵.

۷۷. همان، ص ۲۰۰-۲۰۱.

78. Herbirt Busse, p. 3.

79. Hans-Joachim kraus: pp. 255 - 259.

۸۰. همان، ص ۳۹۹-۴۰۰، ۴۲۳-۴۲۴، ۴۴۴-۴۴۵، ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۳۰، ۵۳۱ و ۵۳۶.

۸۱. محمد خلیفه حسن، مقارنه، الادیان دراسة وصفیة، ص ۲۸.

علم کیفیت تألیف مدخل در عهد قدیم مطرح شده، می‌دانند. ۷۶. از رجال مذهبی دیگر، هنریش ایوالد (۱۸۰۳-۱۸۷۵ م)، دانشمند عهد قدیم و علم اوزان شعر عربی است که نزد ایشورن علم آموخت. از کوشش‌های او در دو زمینه یاد شده، تخصص او در تحقیقات عربی و عبری و علوم مربوط به آن دو آشکار می‌شود. او همچنین در زمینه تحقیقات فیلولوژیک و نقد تاریخی اشتها یافت و همزمان با نقد تاریخی، نگارش‌های تاریخی او نیز آغاز شد و از خلال تحقیقات دقیق در منابع تاریخی، چهره تاریخ اسرائیل را به طور واضح و کامل ترسیم کرد. ۷۷. شرق‌شناسان آلمان به تطبیق روش تاریخ‌نقدی در مورد تورات و انجیل بسنده نکردند، بلکه کوشیدند تا این روش را در مورد متن قرآن کریم نیز به کار بندند. کاریست این روش در آثار گوستاو وایل و تئودور نولدکه مشاهده می‌شود [...]. اما رویس (۱۸۰۴-۱۸۹۱) که نزد دو ساسی در فرانسه علم آموخته بود، بی‌شک زبان عربی را در کنار زبان‌های شرقی فرا گرفته بود. او صرفاً به اسفار خمسه اهتمام داشت و سبکی را در نقد عهد قدیم، وضع کرد. وی در این زمینه مؤکداً نویسنده تورات را موسی (ع) ندانسته و معتقد است که تورات تا قرن شش و هفت قبل از میلاد نگارش نیافته است؛ زیرا پیامبران دو قرن یاد شده، به آن اشاره نکرده‌اند [...].

کارل هنریش گراف (۱۸۱۵-۱۸۶۹) نزد رویس و فلایشر درس خواند. به عبارتی او زبان عربی و تحقیقات عهد قدیم را نزد آنها فرا گرفت و از دو استاد یاد شده اش تأثیر پذیرفت [...].

اما یولیوس ولهاوزن (۱۸۴۴-۱۹۱۸)، شاگرد هنریش ایوالد، دانشمند تحقیقات عهد قدیم و یهود و پژوهش‌های عربی-اسلامی بود و در هر دو زمینه با تسلط کامل تحقیقاتی داشت. وی شیوه نقد تاریخی را در پژوهش‌های خود دنبال کرد و در هر دو زمینه یاد شده به نتایج مهم و عجیبی رسید. عدم پرداختن ولهاوزن به مقوله اصل و منبع قرآن^{۷۸} - یعنی همان قضیه‌ای که فکر شرق‌شناسان و رجال مذهبی مسیحی را (با وجود نبودن دلایل عقلی و تناقض در آرای ایشان) به خود مشغول داشته - خود دلیلی واضح بر الهی بودن متن قرآن است. در مقابل سکوت ولهاوزن در باب قرآن، وی نقدهای علمی و جالبی در مورد اسفار خمسه و تاریخ و دین یهود ارائه داد. شک نیست که نوشته‌های ولهاوزن در مجال نقد عهد قدیم از منابع مهم در این زمینه به حساب می‌آید. در زمینه عهد قدیم ولهاوزن پژوهش‌های مهمی را از ناحیه زبانی ارائه داد؛ به طوری که در تحول نقد متنی

الهی در آن دو دین است. قرآن کریم در مقام تحدی می گوید: «ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (سوره نساء، آیه ۸۲).

در این مقاله تحول همزمان تحقیقات عبری و عهد قدیم و دین یهود با تحقیقات عبری اسلامی روشن گردید و معلوم شد که علم نقد عهد قدیم، علمی اسلامی است و ریشه در قرآن کریم دارد و علمای تفسیر و دانشمندان مسلمان تاریخ ادیان در آن تحول بخشیدند. همچنین وجود ارتباط گسترده میان روش نقد تاریخی مسلمانان و روش دانشمندان نظریه مصادره روشن شد. بایسته است که دانشمندان مسلمان از نظریه مصادره برای دستیابی به آنچه غرب بدان رسیده، در زمینه های ذیل بهره جویند:

۱. در زمینه تفسیر آیات قرآنی مرتبط با تورات و انجیل؛ به طوری که نتایج مثبتی را که شرق شناسان بدان رسیده اند و مؤید دیدگاه قرآن در تحریف و تعدیل و تغییر در متون دینی یهودی و مسیحی است، به تفسیر این آیات بیفزاییم.

۲. در زمینه گفتگوی میان تمدن ها؛ به نحوی که نقش ایجابی تحقیقات اسلامی و عبری را در اروپا بیان دارد و چگونگی تأثیر این تحقیقات را در روش های اروپایی نمایان سازد.

۳. در زمینه تاریخ ادیان؛ به گونه ای که انسانی شدن عهد قدیم و جدید را از خلال تحقیقات شرق شناسان و خاصه مذهبیان آنها تبیین کند و کلیدی را برای فهم بیشتر و عمیق از ماهیت آن به دست دهد.



ساختاری، محدوده زمانی هر یک از مصادر چهارگانه و اصلی تورات مشخص می شود. با وجودی که دانشمندان مسلمان در کار مستندسازی متون پیشرفتی جدی کردند، اما دانشمندان نظریه «منابع»، در حد کار آنان توفیق نیافتند. به جز مصدر کهنوتی که به اتفاق ناقدان عهد قدیم به کاهنان منسوب می شود، در مورد تاریخ این مصدر اختلاف نظر وجود دارد. ^{۸۳} ابن حزم قبل از دانشمندان غرب به وجود مصدر کهنوتی (کاهنانی) تورات پی برده بود ^{۸۴}.

از دلایل دیگر تأثیر پژوهش های اسلامی-عربی در پژوهش های عهد قدیم، ظهور رویکرد نقدی در آلمان درباره تحقیق در اسباب تدوین عهد قدیم در دوران های مشخص و ارتباط آن با اوضاع اجتماعی دینی و سیاسی است. در همین زمینه اصطلاح موقعیت حیاتی (sitz im leben) به وسیله شرق شناس آلمانی هرمان ژونکه (۱۸۶۲-۱۹۳۲م) ابداع شد. وی در بررسی صور ادبی عهد قدیم، تلاش هایی کرد. ^{۸۵} ترجیحاً باید گفت که این اصطلاح برگرفته از اصطلاح اسلامی «اسباب نزول قرآن» است که در کتب تفسیر بدان اشاره می شود و نزول آیات قرآن را از حیث موقعیت های اجتماعی یا تشریحی و غیره بررسی می کند [...]. اما تفاوت میان اصطلاح آلمانی (sitz im leben) و اصطلاح اسلامی (اسباب النزول) در این خلاصه می شود که دانشمندان نقد عهد قدیم موقعیت ها و مناسبت ها (یا همان فقرات عهد قدیم) را تأیید و نقل می کنند؛ یعنی بر آرا و دیدگاه های کنونی شان تکیه می کنند؛ اما دانشمندان مسلمان در شناخت اسباب نزول بر روایت صحیح از پیامبر خدا (ص) یا صحابه تکیه دارند.

فرجام سخن

در خاتمه باید گفت که شرق شناسی و به ویژه تحقیقات عبری اسلامی و قرآنی، هدفی را که مستشرقان در پی اش بودند، محقق نساخته است. علی رغم شبهه هایی که شرق شناسان در اسلام وارد ساختند، باید گفت تحقیقات اسلامی خود شک و تردیدهایی در منبع عهدین (قدیم و جدید) پدید آورد و بر عکس، در مورد منبع قرآن کریم، هیچ یک از اینان دلایل عقلی و کافی و اقناع کننده برای تشکیک در آن ارائه ندادند. دلیل آن، وجود تناقض آشکار در آرای آنها در مورد منبع قرآن کریم و اتفاق نظرشان در مورد تعدد منافع عهدین و انسانی شدت میراث دین یهود و مسیح و یا دست کم در آمیختن عنصر انسانی با عنصر

۸۲. درباره ویژگی های زبانی، ر. ک:

C. Steuernagel, *Lehrbuch der Einleitung in des Alts Testament*, Miteinem Anhang ueber die Apokryphen und Pseudepigraphen. 1912. pp. 203. 214-215, 233-235.

درباره ویژگی های دینی و فکری ر. ک: محمد خلیفه حسن، مدخل نقدی الی اسفار العهد القدیم، من دون دارنشر، القا، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶، ص ۲۱-۲۹.

۸۳. درباره تاریخ منابع تورات و اختلاف ناقدان ر. ک: علاقة الاسلام بالیهودیه، رویه اسلامیه فی ضوء مصادر التوراة الحالیه، ص ۱۹-۲۰.

۸۴. ابن حزم کؤمسس لعلم نقد الكتاب المقدس، ص ۷۸۷.

۸۵. درباره این اصطلاح ر. ک:

John H. Hayes: pp. 127-128. 153-154; Hans-Joachim kraus: pp. 344-346, 403. 412-413.